



«پنجره باز» به شبکه سلامت رسید

برنامه تلویزیونی «پنجره باز» با اجرای آرش ظلی پور روی آنتن شبکه سلامت می‌رود. به گزارش جام جم، پنجره باز از شب گذشته با اجرای آرش ظلی پور و سردبیری مهدی حاجی میرآقا از شبکه سلامت سیما پخش شد. برنامه پنجره باز که در ۱۲۰ قسمت و با مشارکت مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و

گزارش جام جم از پشت صحنه «دست در دست» شبکه ۲ به همراه گفت‌وگو با عوامل این برنامه

«دست در دست» علیه کرونا



فاطمه شهدوست

رسانه

در روزهای کشدار و ادامه‌دار کرونایی که سایه انداخته روی خیلی از اتفاقات روزمره‌مان، گروه‌های زیادی خودجوش دست‌به‌کار شده‌اند تا رنج این لحظه‌ها را کمتر کنند. در این فضا هستند خیلی‌ها که در بیمارستان‌ها، شهرها و مناطق مختلف گمنام مشغول کارشده‌اند تا به هر شکلی که از دستشان برمی‌آید، کمکی در این روزها کنند. این ماجرا هم دستمایه برنامه‌ای شد که مدتی پیش با عنوان «دست در دست» روی آنتن شبکه دو رفت تا بخشی از اتفاقاتی را که دوروبرمان در حال رخ دادن است و از آن بی‌خبریم، منعکس کند. برنامه‌ای به تهیه‌کنندگی هادی خدای‌ی که سلمان فرخنده اجرای آن را به عهده داشت و ما هم یک‌شب مهمان‌شان شدیم.

چه خبر بود؟

دست در دست چهار روز در هفته ساعت ۲۲ روی آنتن می‌رفت، می‌گوییم می‌رفت چون فصل پاییز آن شب یلدا به پایان رسید و فصل زمستان آن همزمان با روزهای بدون برف در راه است. از اینها که بگذریم به ماجرای بازدید ما از آخرین قسمت این فصل می‌رسیم. ساعت ۱۰ شب بود که به استودیوی این برنامه که در غرب تهران و محل استودیوهای برون‌مرزی بود، رسیدیم. هنوز به‌جز آقای تهیه‌کننده و دکتر محمود انوشه که برای بار دوم مهمان این برنامه شده بود، کسی نیامده بود. بعد از گذر از ورودی و رفتن به طبقه چهارم، سمت راست استودیویی بود که به‌محض ورود به آن با اتاق فرمان روبه‌رو می‌شدید، اتاقی مستطیلی و بزرگ که با مانیتورهای زیادی پرشده بود و با دیوار شیشه‌ای از استودیویی که آن‌سوی دیوار قرار داشت، جداشده بود. استودیویی که آن‌هم سمت راست این فضا قرار داشت و رنگ نارنجی و قرمز پاییزی آن اولین چیزی بود که به چشم می‌خورد.



طراحی دکور با مصائب کرونایی

گفت‌وگوی ما تمام می‌شود، علی خلیل‌پور، طراح دکور برنامه مشغول تکمیل دکور است. برگ‌های تازه، هندوانه و موارد دیگری که به مناسبت یلدا و آخرین شب برنامه تدارک دیده‌شده بود هم بخش‌های دیگری بودند که به دکور اضافه شدند. همان‌طور که او مشغول چیدن دکور است از طراحی این فضا از او می‌پرسم و در حالی که برگ‌ها را کنار هم می‌چیند، می‌گوید: شکل گرفتن این دکور که البته به همراه کارگردان، مدیر هنری و تهیه‌کننده اتفاق افتاد، در مدت خیلی کمی انجام شد و نتوانستیم کاری که می‌خواهیم را در حجم بزرگی انجام دهیم. همه موارد صحنه دست‌ساز است و بچه‌های گروه آن را درست کردند. مدل اجرای برگ‌ها و فضایی که دیدید هم اتفاق دیگری بود که من کمتر در برنامه‌ها آن را دیدم. گویا محدودیت‌های کرونایی، روی طراحی دکور هم تاثیر گذاشته و خلیل‌پور درباره‌اش می‌گوید: به دلیل کرونا ما ناچار بودیم که طول میز را تغییر دهیم تا وقتی مهمانان دور هم می‌نشینند فاصله‌ای که باید رعایت شود. این اتفاق تاحدی دست ما را در طراحی بسته بود. شکل دادن دکور برنامه به صورتی که تجملاتی نبوده و حال و هوایش به فضای سفره‌های مردم نزدیک باشد هم اتفاق دیگری بود که او درباره‌اش گفت.

نمی‌خواستیم عصاقورت داده باشیم

بعد از گپ و گفت با کارگردان، فرخنده هم نوشتن متنش را تمام کرده و از او می‌خواهم تا گپی که قولش را داده بود را برنیم. درست دقیقه‌تا ۱۱باقی مانده بود و همین موقع خبر می‌رسد که برنامه تا تعویق چند دقیقه‌ای روی آنتن می‌رود. خیال آقای مجری از بابت زمان راحت می‌شود و سراغ مصاحبه می‌آید. این‌که بعد از سال‌ها چه شد فرخنده در قالب مجری به این برنامه پیوست، سوالی بود که او در پاسخ به آن به جام جم گفت: این آخرین پاییز قرن بود و با خودم گفتم خوب است در قاب تصویر کنار مردم باشم. نمی‌شود آدم از فرصت این چنینی که می‌تواند به واسطه آن با مردمش باشد، استفاده نکند. استرس‌های برنامه‌زننده و جریانی که به‌خصوص در مورد برنامه‌های زنده وجود دارد هم موضوعی بود که او با اشاره به آن بیان کرد: همه برنامه‌ها که سختی خودش را دارد اما این اتفاق برای من خیلی جذاب بود چون از حدود ۱۸سالگی دیگر برنامه‌زننده اجرا نکرده بودم



و به‌خصوص شب‌های اول آن هیجان‌انگیز بود. مثل رفتن روی صحنه تئاتر بود، معمولا در تلویزیون و برنامه‌های تولیدی بین هر بخش فاصله‌ای است و می‌توانی آن را تدوین کنی اما در پخش زنده این موارد وجود ندارد و درست مثل تئاتر باید پیش بروی و این فضا آن حال و هوا را برای من زنده کرد و تا حدی آدرنالین و هیجان زیادی برپام داشت. این هم فرصتی بود که خدا به من داد که بتوانم در آخرین پاییز قرن و شرایطی که مردم واقعا به این نیاز دارند که حال و هوای خوشی داشته باشند، در کنارشان باشم. در یک گروه هر کس به شکلی در اتفاقات آن برنامه دخیل است، اینکه آقای مجری در چه حد در محتوای برنامه سهیم بوده موضوعی بود که او درباره‌اش گفت: اتفاق خوبی که در این برنامه افتاد، وجود خرد جمعی به معنی واقعی است که به واسطه آن همه مایل‌اند تا با مشارکت و همفکری کار را پیش ببرند، اتفاقی که از دکور گرفته تا سوزنه‌ها و تیزر ...

به خاطر مردم آمدم

ساعت ۲۲ و ۴۰ دقیقه است و دکتر انوشه در اتاق مهمان، منتظر آغاز بخشی است که باید در آن حاضر شود. سرآغش می‌رویم او که قبل‌تر هم در این برنامه حاضر شده و از حال خوب گفته بود درباره حضورش در تلویزیون که بیشتر از قبل ترها شده، می‌گوید: در این ایام ما توجه به آمادگی خودم برای خدمتگزاری احساس می‌کنم که ملت به بیشترین حضور من در سیما نیاز دارند و تنها این تکلیف باعث شد تا بیایم. او افزود: چون من خواسته مردم را مدام می‌سنجم و ارزیابی می‌کنم وگرنه از آنجا که با دانشجو‌ها مدام سرو کار دارم، حتی فرصت آن‌که در برنامه‌های تلویزیون حاضر شوم را هم نداشتم. اما الان نبود فضای دانشگاه و بسته شدن این اتفاق به‌واسطه کرونا زمینه‌ای را ایجاد کرد که از طریق این رسانه در خدمت مردم عزیز باشم.

این‌که برنامه دست در دست چه ویژگی‌ای دارد که باعث شد تا او را چندبار در قاب این برنامه ببینیم هم سوالی بود که انوشه در پاسخ به آن بیان کرد: گروه بچه‌های آقای خدای و دست در دست، انصافا یکی از یک‌دست‌ترین گروه‌هاست. یعنی مهرشان، محبت‌شان، همدلی‌شان، هدفمندی و آرمان‌گرا بودنشان همه و همه در یک پیاله است. من هم بر مبنای ارادتیم به صدا و سیما و اعتقادم به اکیب بچه‌های دست در دست، افتخار حضور در این برنامه را داشتم.



وجود داشت. من هم از خداخواسته دوست داشتم در برنامه‌ای که حضور دارم سهمی داشته باشم و در حد خودم به پیشروی خوب آن کمک کنم. او افزود: در این فضا همه خیلی سخت در حال تلاش بودیم تا بتوانیم در بخش‌ها و فضای برنامه به شکلی پیش برویم که کار تهرانی نبوده و برای همه مخاطبان در سراسر کشور باشد. همچنین حضور افرادی که نذرهای مومنانه داشتند هم حس زیبایی داشت. گاهی می‌گویند گفتن کاری که انجام داده‌اید باعث ریا می‌شود اما به نظر من خوشحال کردن دیگران به خودی خود آنقدر قشنگ است که باید از آن گفت حتی اگر ریا شود. مثلا اگر شما یک پتو روی کارتن خواب بیندازی و از آن اتفاق فیلم‌گیری خودش ترویج فرهنگ است و یک‌سری از آدم‌ها آن را می‌بینند و خوشحال می‌شوند.

در آخر هم صحبت از نزدیک‌شدن به مهمانان مختلفی شد که در هر قسمت حاضر می‌شوند و فرخنده گفت: من سعی کردم که مری عصاقورت‌داده‌ای نباشم چون خودم هم آن سبک را دوست ندارم. مجری‌هایی که خودشان هستند خیلی به دل آدم می‌چسبند چون می‌دانیم که خود واقعی‌شان هستند و جور دیگری در قاب تلویزیون حاضر نشدند. از قبل هم بیوگرافی مهمانان را می‌گرفتم. در این بین از نویسنده‌ی دراجرایم کمک گرفتم. از بازیگری نمی‌شود کمک گرفت چون بازی برای صحنه است و برای اجرا باید خودت باشی.

فضایی برای آشنایی مردم با همدلی‌های گمنام

عوامل اصلی برنامه مشغول چیدن کنداکتور و آماده‌کردن بخش‌هایی‌اند که قرار است بین برنامه پخش شود. سلمان فرخنده که اجرای این برنامه را به عهده دارد، کمی دورتر از استودیو، گوشه‌ای نشسته و متنی را که قرار است در شروع و پایان داستان بگوید، می‌نویسد. قرار است کمی بعد باهم گپ برنیم. در همین بین سرآقای تهیه‌کننده خلوت‌تر می‌شود و فرصتی به دست می‌آید تا باهم گفت‌وگوی داشته‌باشیم.

از شکل‌گیری این برنامه شروع کنیم، اصلا سروله دست در دست از کجا و چطور پیدا شد؟

با توجه به کرونا و شرایط متفاوت جامعه و کشور، احساس ما این بود که در این مدت فضای متفاوتی را نسبت به خیلی از کشورهایی که با این ویروس درگیرند، می‌بینیم. فضای همراهی مردم باهم، کمک‌های مؤمنانه و... که در طول آن مردم پای‌کار آمدند و کمک‌های زیادی کردند. در ادامه با پایک بعدی این بیماری از ابتدای پاییز، گروه‌های جهادی و خیرین بازم به میدان آمدند. در این بین سازمان تبلیغات به دنبال آن بود که کاری در فضای رسانه‌ای کند تا کسانی که خیلی گمنام در حال تلاشند، دیده شوند. به ما پیشنهاد کردند دنبال چنین جریانی هستیم و از آنجا که ما هم نسبت به این موضوع دغدغه‌مند بودیم، با تشکیل اتاق فکری به این نتیجه رسیدیم که برنامه پاییزه شبانه‌ای که در بحث مخاطب محوری آرمش را برای مخاطب احیا می‌کند، داشته باشیم. ما برنامه‌های مختلفی داریم که بعضی از آنها با هیجان مردم را جلب می‌کند یا با فضای طنز اما برنامه‌ای که آرمش محور باشد را در تلویزیون کمتر داشته‌ایم به همین دلیل یک مجموعه این چنینی را ایجاد و کار ترکیبی را شروع کردیم که هم مخاطب محور و هم پیامی در آن وجود داشته باشد. فضایی که در این ۲۰ قسمت دیده شد و مورد استقبال قرار گرفت.

شما مهمانان مختلفی هم در این شب‌ها داشتید، از چهره‌های شناخته‌شده تا نیروهای جهادی

و... با چه نگاهی این دو گروه را انتخاب و آنها را دور یک میز جمع می‌کردید؟

نگاه ما به این برنامه این بود که بگوییم دست در دست بودن تنها راه مبارزه با هر آسیب اجتماعی است، یعنی ما فقط با کمک مردم و اقشار مختلف می‌توانیم این فضا را نهادینه و به جامعه کمک کنیم. در این فضا دنبال این بودیم که دل‌ها را به هم نزدیک کنیم. همچنین

آموزش پزشکی تولید شده است از شبیه تا چهارشنبه به‌صورت هفتگی ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه سلامت سیما می‌رود که در اولین برنامه خود میزبان حمید سوری، متخصص اپیدمیولوژی و عضو کمیته اپیدمیولوژی ستاد مقابله با کرونا در تهران خواهد بود. از آیتم‌های برنامه پنجره باز علاوه بر گفت‌وگو، می‌توان به بخش

خنده باز با اجرای استندآپ کم‌دین‌ها، بخش ۱۱۵ با محوریت کمک‌های اولیه و اورژانس، بخش دارویی نسخه باز، بخش عروسکی و نمایشی، گزارشگر ویژه و حضور خواننده‌های جوان و مطرح کشور در برنامه اشاره کرد. کارگردان هنری این برنامه حسن نظری و تهیه‌کنندگی آن به‌عهده سیدمحمدحسین پورفاضلی است.

پاییز خودش از رنگ‌های مختلف تشکیل‌شده که ما آن را به اقشار مختلف و همه افراد در یک جامعه بزرگ تعبیر می‌کنیم. در بخش انتخاب مهمان هم با همین نگاه پیش رفتیم؛ اتفاقی که در گزارش‌ها، تیتراژ و دیگر بخش‌ها هم قابل‌مشاهده است و سعی کردیم مردم از هرجایی که هستند در برنامه حاضر شوند. همچنین به دنبال آن بودیم کسانی را که بین مردم محبوبیت و حرفی برای مردم دارند در کنار کسانی که کمتر شناخته‌شده‌اند، قرار دهیم تا این فضای ترکیبی شکل بگیرد. همچنین نمی‌خواستیم فقط یک قشر را انتخاب کنیم و از بازیگر گرفته تا نویسنده، روان‌شناس و... را داشتیم. در این تقابل دو مهمان باهم درگیر گفت‌وگو شدند و نشان دادند که دغدغه آن آدم معروف هم مثل همان فرد گمنامی است که فعالیتی کرده است.

از مخاطب محور بودن این برنامه گفتید. این اتفاق را چطور رقم زدید؟

در دست در دست بیشترین نقش را به مردم دهیم. سعی کردیم ما حداقل صحبت کنیم و بیشتر مهمان و آیتم‌هایی که مربوط به مردم است، صحبت کند و مطرح شود. بازخوانی نقش شهدا، نخبگان، چهره‌هایی که با فداکاری نقش‌آفرینی کردند و توجه به الگوهای شاخص در تاریخ کشور را در آیتم قاب خیال ایجاد کردیم. از ریزعلی خواجوی گرفته تا شهدایی مثل شهید دوران، بابایی و... کار دیگری که کردیم استفاده حداکثری از ظرفیت کودکان بود که تلاش کردیم تا در بحث ماسک و بحث‌های روزی که به‌واسطه شرایطی که در آن هستیم، ایجاد شده، آنها را به شکلی در این فضا لحاظ کنیم. محتوا و مخاطب محوری هم از اهداف اصلی ما است. در بخش محتوا سعی کردیم تا هر بخش به دانش مخاطب اضافه کند.

برای فصل بعد چطور؟ این روند ادامه‌دار؟

برای فصل زمستان قطعا ما تیم محتوایی ویژه‌تری خواهیم داشت و امیدواریم که بتوانیم از اواسط دی‌ماه برنامه را شروع کنیم. در این بین سعی می‌کنیم قرم و قالب‌مان را خیلی تغییر ندهیم، اما قطعا آیتم‌های جدید و ویژه‌ای را اضافه می‌کنیم. همه دغدغه ما مخاطب و اثرگذاری روی او در روزهایی است که واقعا به این فضا نیاز است. در این گروه همه بچه از جان و دل مایه می‌گذارند و با توجه به استقبالی که شده وظیفه ما قطعا سنگین‌تر است. به همین دلیل امیدواریم به نتیجه مطلوبی که باید برسیم.

دست در دست و تاریخ شفاهی روزهای کرونا

در همین بین احسان مرادی که کارگردانی برنامه را به‌عهده دارد هم سرش خلوت‌تر می‌شود. مرادی از ماجراهایی که در دست در دست گذرانند می‌گوید.

شروع قصه: این برنامه محصول شرایط بحرانی بود که در کشور ایجاد شد و ما می‌بینیم رسانه‌هایی که با ما موافق نیستند، شرایط را به شکلی نشان می‌دهند که هیچ‌کس به دیگری کمک نمی‌کند و حتی خیلی از مردم هم خبر نداشتند که در این شرایط بحرانی کسی هست و جوان‌هایمان می‌روند و پای خطراتی که هست می‌ایستند تا خدمتی کنند. در این برنامه هم فکر کردیم تا به سراغ این فضا و چهره‌هایی برویم که در این جریان کاری کرده‌اند.

چرا دست در دست؟ ما عناوین پیشنهادی زیادی داشتیم و در ادامه به موضوع دست به دست شدن رسیدیم. فضایی که در حوزه همدلی و انتقال آن وجود دارد و در نهایت به دست در دست رسیدیم. عنوانی که به نظرم تاحدی بین مردم جا افتاد، با این‌که ۴۰ درصد برای یک برنامه تلویزیونی چندان زیاد نیست اما این اقبال از آن صورت گرفت.

فصل جدید: مهم‌ترین قصه‌ای که در پاییز داشتیم قرار پاییزی با مردم بود که در طول آن از مخاطبان خواستیم تا خاطره مواجهه با کرونا را برای ما بفرستیم تا در نهایت به یک محصول فرهنگی از کتاب گرفته تا مجموعه مستند یا هر چیز دیگری برسیم. قطعا سعی می‌کنیم در همین راستا در فصل زمستانه برنامه هم این جریان را ادامه دهیم. همچنین فکر می‌کنم در فصل آینده ما‌شکله اصلی برنامه را نگه داریم. این جریان هم مستلزم آن است که اتاق فکرهای متعددی را تشکیل دهیم.

گنجینه کرونایی: شاید چند سال دیگر که کرونا تمام شود، خیلی‌ها آن را یادشان برود و ما به یک قصه و تاریخ شفاهی نیاز داریم. به نظر من این اقدام در جمع‌آوری مواجهه مردم با کرونا اتفاق خوبی است که باید از آن نگهداری شود و در ادامه آن را باین مردم هم بخش کنیم. چرا که شاید الان نه‌ما چند سال دیگر همین‌ها یک گنجینه‌کوچک خواهد بود.

قدرتانی از پرستاران: در روزهای آخر برنامه که منتهی به روز پرستار بود، پوشش سیاس را راه انداختیم. جریانی برای قدرتانی از کادر درمان که در یک سال گذشته خیلی از خودگذشتگی داشتند.

در دسرهای کارگردانی: گروه‌های جهادی و بچه‌های مستندساز ما تنها در تهران کار نمی‌کردند و ما همیشه حداقل یک گروه مستند در استان دیگری داشتیم که با بچه‌های جهادی مشغول ساخت مستند بودند. همچنین ترکیبی کار کردن خیلی سخت است چون گاهی شما بین برنامه آیتمی را می‌بینید و بعد به استودیو برمی‌گردید و فضا کاملا می‌شکند. حال همی‌اکردن دوباره فضا برای بخشی که متفاوت از بخش‌های قبل بوده، داستانی دارد که البته فکر می‌کنم تا حدی از پس آن برآمدم.

کشف جهادی‌ها و مهمان برنامه: ما حتی در انتخاب چهره‌های معروفی که به برنامه ما آمدند، فکر کردیم که آدم‌هایی بیایند که در این فضا برای مردم، تولید محتوا کردند، تجربه کار داشتند یا خودشان مبتلا به کرونا شده بودند. در مورد مهمانان جهادی هم کافی بود تا شما سری به بیمارستان‌های بزرگ بزنید، مشخص است که چه کسانی داوطلبانه مشارکت کرده‌اند. بین همین گروه‌ها هم هر کس در حدی کاری کرده بود اما آن‌که می‌خواهد به عنوان چنین نیرویی روی آنتن بیاید، باید گروهش دارای ساختار و شاکله‌ای باشد که نماینده آن گروه بتواند درباره‌اش صحبت کند. در این بین اگر نتوانستیم گروهی را روی آنتن بیاوریم، از آن مستند پخش کردیم.

رسانه فراموش‌شده: بچه‌های سازمان صداوسیما و دیگر رسانه‌ها که در روزهای کرونا مجبور به تولید محتوا بودند، خیلی کمتر به آنها پرداخته شده است. ما هم در فضای مکتوب شهید دادیم و هم در حوزه تصویر و... موضوعی که باید بیشتر از آن گفته و یاد شود.

خدا حافظ پاییز و سلام زمستان

ساعت ۱۱ و ۵ دقیقه و داستان شروع می‌شود. فرخنده با متنی که از فداکاری پرستارها در آن گفته برنامه را شروع می‌کند. اصلا این قسمت به طور ویژه به قدرتانی از این گروه عزیز اختصاص دارد و مهمان برنامه هم دو پرستار خانم و آقا هستند که هر دو کرونا را به شکل تجربه کرده‌اند. انوشه بعد از پلاتوی شروع و پخش یک آیتم به استودیو نارنجی پاییزی می‌آید و بعد نوبت به آن دو پرستار و در آخر هم خداحافظی فرخنده در آخرین شب برنامه و به قول خودش پاییز قرن می‌رسد. اما این خداحافظی چندان ادامه نخواهد داشت و به گفته آقای تهیه‌کننده از اواسط آبان با فصل زمستان قرار است اتفاقات تازه‌ای رقم بخورد که از الان باید منتظرش باشیم.